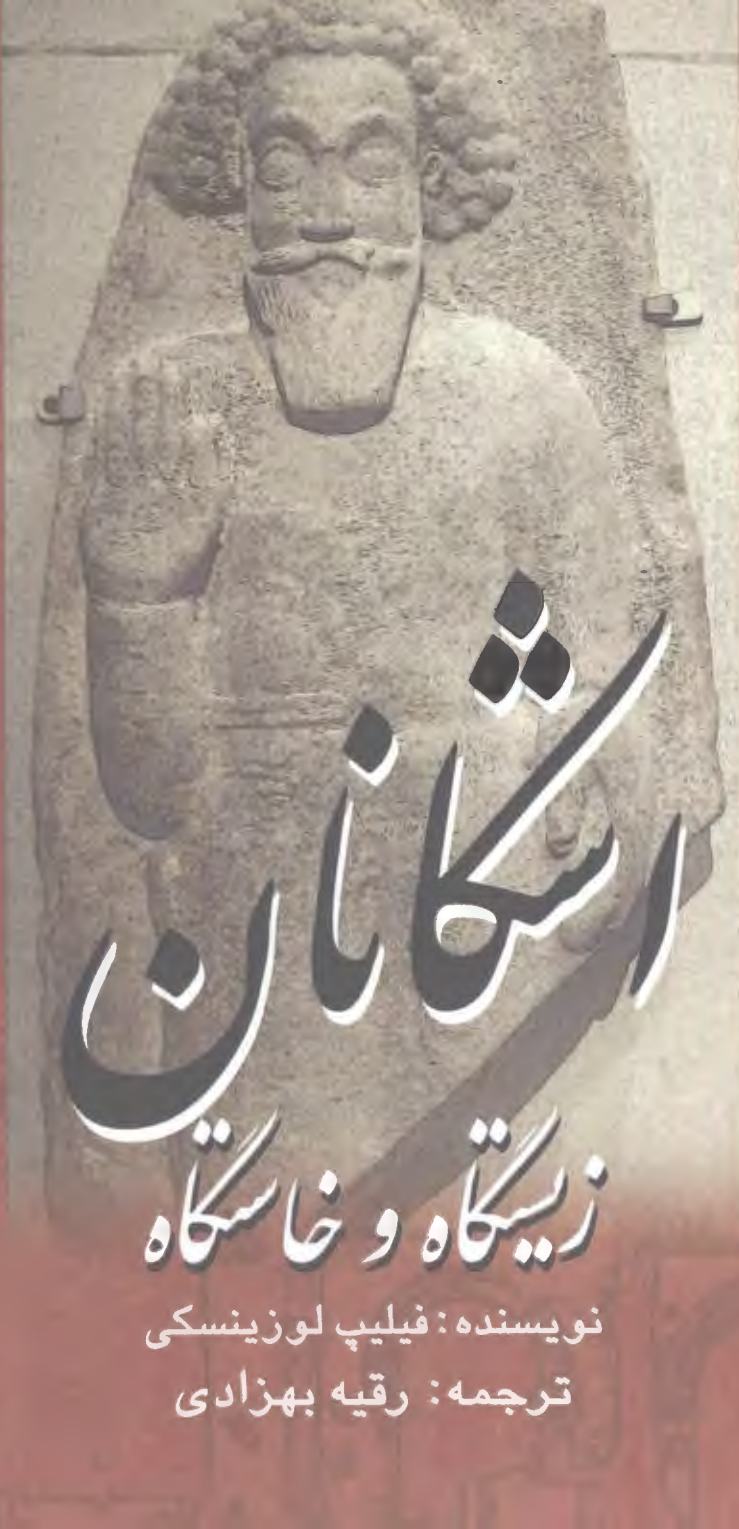




ارسطو

زیستگاه و خاستگاه

نویسنده: فیلیپ لوزینسکی

ترجمه: رقیه بهزادی

زیستگاه و خاستگاه اشکانان

فیلیپ لوزینسکی

زیستگاه و خاستگاه اشکانان

ترجمه

رقیه بهزادی



زیستگاه و خاستگاه اشکانان

نویسنده: فیلیپ لوزینسکی / ترجمه: رقیه بهزادی

تهران خیابان انقلاب نرسیده به میدان فردوسی، خیابان پارس، کوچه جهانگیر، مجتمع یاس، طبقه دوم، واحد ۱۰ غربی، تلفن ۶۶۷۳۹۶۳۶	نشر پژواک فرزانه
زهره غلامی	 طراحی جلد
نشر پژواک فرزانه	ویرایش و تولید
کبری شاه‌پری طرینی	مدیریت فرهنگی
حمید سناجیان	حروفچین و صفحه آرا
اول ۱۴۰۰	نوبت چاپ
دوستان	چاپ‌خانه
دوستان	صحافی
۱۰۰ نسخه	شمارگان
همه حقوق محفوظ است	
۴۸۰۰۰ تومان	قیمت

فهرست کتابخانه ملی

لوزینسکی، بوهدان فیلیپ، ۱۹۱۵-م. Lozinski, Bohdan Philip	سرشناسه
زیستگاه و خاستگاه اشکانان / فیلیپ لوزینسکی: ترجمه رقیه بهزادی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: پژواک فرزانه، ۱۳۹۸. ۱۱۸ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م. ۹۷۸-۶۰۸۹۹۱۲۰۵	مشخصات نشر مشخصات ظاهری شابک
فیپا	وضعیت فهرست‌نویسی
عنوان اصلی: The original homeland of Parthians.	یادداشت
کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان «خاستگاه پارت‌ها» توسط نشر پژوهنده در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.	یادداشت
خاستگاه پارت‌ها.	عنوان دیگر
ایران -- تاریخ -- اشکانیان، ۲۴۹ ق.م. - ۲۲۶ م. Iran--History--Parthians, 249 B.C.-226 A.D.	موضوع
ایران -- تاریخ -- سلوکیان و اشکانیان، ۳۲۳ ق.م. - ۲۲۶ م. Iran--History--Seleucids and Parthians, 249 B.C.-226 A.D.	موضوع موضوع موضوع
بهزادی، رقیه، ۱۳۱۱- مترجم.	شناسه افزوده
DSR ۳۳۳	رده‌بندی کنگره
۹۵۵/۰۲	رده‌بندی دیویی
۶۰۰۸۱۴۵	شماره کتابشناسی ملی

در این کتاب

مقدمه	۹
تقسیمات پارت	۱۳
ارتش اشکانی	۲۷
اشکانان شرقی	۳۱
آر - سَکَه‌ها، سکاها و تخاری‌ها	۳۵
صنعت آهن در میان اشکانان	۳۹
پارتی - سان Parthi-San	۴۳
خاستگاه اشکانان	۴۹
نسا	۵۳
سیب‌ریه	۶۱
مهاجرت نام جاها	۶۵
یادداشت‌ها	۷۳

تقدیم به دلاور مردان

سرزمین نیاکانم پَرثوہ (پارت)

مترجم

مقدمه

تاریخ پارت‌ها، همان‌گونه که در حال حاضر شناخته شده است، موجودیت سیاسی دولت کوچکی را مورد بحث قرار می‌دهد که بیشتر محدود به بین‌النهرین و منطقه کم‌شناخته فلات ایران^(۱) بود. دولت پارت، سیاست تجاوزکارانه‌ای نداشت، ولی منابع آن به اندازه‌ای بود که بتواند از توسعه روم، که می‌خواست در آسیا جانشین سلوکان بشود، جلوگیری کند. [در اصل، رساله‌ای بوده که در انجمن شرق‌شناسان امریکا در واشنگتن در ۷ آوریل ۱۹۵۳ خوانده شده است.]

می‌دانیم که تشکیلات پارت‌ها مرکب از شماری از دولت‌های تحت سیطرهٔ خاندان اشکانی بود. این اتحادیه را معمولاً بدوی، یعنی بدون صنعت، شهر، شهرک و مراکز متمدن می‌نامند. ظاهراً، ادارهٔ امپراتوری پارت‌ها متکی بر شهرک‌ها و قصرها نبود. همهٔ این مطالب، نسبتاً مبهم و همهٔ این نتیجه‌گیری‌ها، مبتنی بر حدس و گمان است. هویت «بدوی» (صحرای) آن، از اشاره‌ای ناشی می‌شود که ژوستین (Justin) در کتاب خود تحت عنوان «خلاصه تروگوس پومپئوس» (*Trogus Pompeius*)، به

آن اشاره کرده و گفته است که پارت‌ها از شمال باکتریا آمده بودند. اطلاعات ما از منابع چینی ظاهراً از نوعی دیگر است. اما تاریخ پارت‌ها پیش از آن که در پرتو منابع تاریخی رومی روشن شود، ناشناخته است. مرزهای شرقی و شمالی امپراتوری پارت بر اثر حدس و گمان تعیین می‌شود.

حتی وجه تسمیه این امپراتوری به خوبی مشخص نشده است. در منابع لاتینی، آن را پارتی نامیده‌اند و، بر طبق ریشه‌شناسی عامیانه، که ژوستن آن را ثبت کرده (تروگوس پومپئیوس، IV، ۲)، کلمه پارتی به معنای «حرکت کرده» (departed) است. بعضی از تاریخ‌نویسان، این نام را از پارنی (Parni) گرفته و گفته‌اند که پارت‌ها طایفه‌ای بودند که در محلی در آسیای مرکزی^(۲) می‌زیستند. اما، امکان دارد که ریشه نام پارتی را در کلمات پهلوی به معنای «پیروزمند» یا «مغرور»^(۳) بیابیم و در آن صورت، کلمه مزبور یا نامی توصیفی، یا بخشی از یک لقب وابسته به آن سلسله بوده است. در هر حال، کلمه «پارتی» در هیچ‌یک از منابع شرقی - ارمنی، عربی، فارسی نو، و بالاخره چینی - مطلقاً شناخته نیست. گویی رومیان، هنگامی که نخستین بار نام این امپراتوری دوردست را شنیدند، وجه تسمیه آن را لقب یکی از پادشاهان پارتی دانستند و سپس، همان نام را به مفهوم سراسر امپراتوری مزبور به کار بردند.

در منابع شرقی، که بیشتر آن‌ها تألیفاتی از دوره بعد از پارت‌ها و متکی بر مدارک کهن است، این امپراتوری تحت نام سلسله فرمانروا، یعنی اشکانان (Arsacids)، معرفی شده است. سکه‌های «پارتی»، که به نام این سلسله ضرب شده است، نوشته‌ای دارد که در آن‌ها، نام اشکانان به حالت اضافی (genetive) آمده است. این احتمالاً بدان معناست که

مسکوکات، به نام آن‌ها ضرب می‌شده ولی نام مزبور، صفت اختصاصی آن‌ها نبوده و این نکته درخور تعمق است.^(۴) واژه «اشکانی» ظاهراً در ارمنستان^(۵) به کار می‌رفته است. منابع شرقی، این سلسله را اشکانان نامیده‌اند. این صورت، نه تنها در تواریخ متأخر ایرانی و در نوشته‌های دانشمندان پیشین عرب، بلکه در کهن‌ترین متن پهلوی، منسوب به سده ششم میلادی^(۶) حفظ شده است.

در بازسازی‌های جدید تاریخ امپراتوری پارت‌های اشکانی، میان منابع غربی و منابع کهن‌تر (مربوط به سکه‌های ضرب‌شده به فرمان اشکانان)^(۷) و مدارک شرقی مربوط به این سلسله، تناقض شگفت‌انگیزی وجود دارد. فهرست پادشاهان پارتی، بنا بر سکه‌های یافت شده در بین‌النهرین و بنا بر تاریخ رومیان، که سرانجام به‌وسیله دوبواز (Debevoise)^(۸) تنظیم شده است، وجه اشتراک زیادی با فهرست‌های فرمانروایانی که به‌وسیله تاریخ‌نویسان ارمنی یا تاریخ‌نویسان بعدی سوری^(۹)، یا تاریخ‌نگاران عربی^(۱۰) یا سنت ایرانی شرقی^(۱۱) منتقل شده است، ندارد. در نتیجه، مدارک شرقی به‌هیچ‌وجه در تاریخ جدید آن امپراتوری راه نیافته است. در سده نوزدهم^(۱۲)، چنین فرضیه‌ای مطرح شد که شرقی‌ها تاریخ اشکانان را برای پرکردن دوره میان زمان اسکندر کبیر و روی کار آمدن سلسله ساسانی «جعل» کرده‌اند. این واقعیت، که چندین روایت مستقل و ناپیوسته ارمنی، سوری و عربی به‌طور تحسین‌آمیز یکدیگر را تأیید می‌کنند، دست‌کم گرفته شده است. تألیفات بعدی، متکی بر همان مطالب یا مشابه آن است؛ همه آن‌ها احتمالاً، از منابع بومی مهم و جالب توجه و ظاهراً، به منظور ردیابی تاریخ سلسله ارمنی اشکانان اخذ شده است. تاریخ‌نویسان عرب را بیشتر

گردآوردندگانی می‌دانند که مدارک کهن را عیناً ذکر کرده و گفته‌اند: «از دانشمند انتظار نمی‌رود که به ذخایر حقایق موروثی مطلبی بیفزاید.»^(۱۳) با وجود این، اطلاعاتی که درباره تاریخ اشکانان نقل کرده‌اند، مورد توجه قرار نگرفته است. وابستگی شدید به سنت‌های باستانی ایران، که حتی صورت‌های کهن زندگی را به روزگار کنونی انتقال داده است، ظاهراً به همان ترتیب در سنت‌های تاریخی ایرانی منعکس نشده است.

تقسیمات پارت

افق‌های تاریخ غربی بسیار محدود بود. پلینیوس [Plinius، دانشمند، طبیعی‌دان و نویسنده رومی در سده اول میلادی که بر اثر آتشفشانی کوه وزو درگذشت. وی کتابی به نام تاریخ طبیعی در سی و هفت جزء دارد. فرهنگ فارسی.] یا خبررسانان تاریخ او تاریخ طبیعی، VI، XXIX، (۱۱۲-۱۱۳، ۱۲۳)، شرح نسبتاً تحریف شده‌ای از پارت‌ها برای ما به جای نهاده‌اند که در اینجا آن را، به تفصیل ذکر می‌کنیم تا نشان دهیم که شرح مزبور، دورنمایی از اطلاعات به هم پیوسته را عرضه می‌داشت:

«پارت‌ها، بر روی هم، دارای هجده دولت هستند، و تقسیمات استان‌های آن‌ها در سواحل دو دریا، همان‌گونه که گفتیم، یعنی دریای سرخ در جنوب و دریای کاسپین (قزوین) در شمال، چنین است. از این استان‌ها، یازده استان به نام دولت‌های علیا از مرزهای ارمنستان و سواحل دریای کاسپی آغاز می‌شود و تا سرزمین سکاها ادامه می‌یابد که، پارت‌ها با آن‌ها بر پایه برابری زندگی می‌کنند.

هفت دولت باقی مانده، دولت‌های سفلا نامیده می‌شوند. تا آنجا که مربوط به پارت‌هاست، همیشه کشوری به نام پارثوآیا (Parthyaea)، در پای سلسله جبال وجود داشته است... که مرز همه این اقوام را تشکیل می‌دهد. در شرق پارثوآیا، آری‌ها (Arii)، و در جنوب، کارمانی‌ها (Carmanians) و آریاها قرار دارند؛ و این کشور از هر سو، به وسیله صحرا محاط شده است. پارت‌های نواحی دورتر را بیابانگرد می‌نامند. غیر از صحرا در بخش غربی، شهرهای پارتی ایساتیس (Issatis) و کالیوپه (Calliope)، که در بالا ذکر شد قرار دارند؛ در شمال شرقی، پوروپوم (Pyropum) [در زبان لاتین حرف Y، «او» خوانده می‌شود - م] و در جنوب شرقی، ماریا (Maria)، و در میان، هکاتوم پولوس (Hecatompylos) (هکاتوم پیل)، آرساکه (Arsace) و ناحیه زیبای پارثوینه (Parthyene)، نسایا (Nisiaea) (نسا) شامل الکساندرو پولیس، به نام مؤسس آن... ماد... هر دو گروه دولت‌های پارتی را از هم جدا می‌سازد... تیسفون... اکنون پایتخت دولت‌های پارتی است.»

بدین صورت، پلینیوس، دو بخش از قلمرو اشکانان را می‌شناخت که به ترتیب، شامل دو بخش مرکب از یازده دولت و هفت دولت بود. گذشته از این، می‌گوید که پایتخت امپراتوری، پیش از آن‌که به تیسفون منتقل شود، شهری دیگر بوده است. امکان دارد که نشان دهیم این پایتخت، در آغاز کجا بوده است، و حتی نام آن را در غرب و نیز در چین بیابیم. در جغرافیای ارمنستان اثر موسی خورنی از سده پنجم میلادی، چنین

آمده است که سرزمین ارک پارت اوک (Arik part'evk)، دارای یازده سرزمین (دولت؟) بوده است.^(۱۴)

«فهرست پایتخت‌های ایالتی ایرانشهر»^(۱۵) به زبان پهلوی، از چهل‌ودو پایتخت یعنی استان‌ها یا حکومت‌های تابع را به‌عنوان تقسیمات حکومتی ایران نام می‌برد، همچنین شمار زیادی از شهرهایی را ذکر می‌کند که به‌وسیله فرمانروایان مختلف، که چندین تن از آنان افسانه‌ای به‌شمار می‌آیند، ساخته شده بود. ظاهراً، این امر ما را مجاز می‌سازد بگوییم که فهرست مزبور، دربارهٔ تاریخ آن امپراتوری است که مدت‌ها پیش از سدهٔ ششم میلادی، یعنی تاریخی که به آن دست‌نوشته را نسبت می‌دهیم، وجود داشته است. این فهرست، برابر سرزمین‌ها یا طوایف «سکائی» است که موسی خورنی شمار آن را، چهل‌وسه سرزمین می‌داند.^(۱۶) اوروسیوس^(۱۷) (Orosius) (۱، ۲) چهل‌ودو طایفه هیرکانی و سکایی را ذکر می‌کند، اما منابع چینی، که درباره بربرهای غربی در سده اول پیش از میلاد سخن می‌گویند، از سی طایفه نام می‌برد و، در عین حال، افزایش این واحدهای سیاسی را در قرن هشتم میلادی تا پنجاه‌وهفت طایفه می‌داند.^(۱۸)

استرابون، شرح زیر را در کتاب خود آورده است (XI، ۱، ۱۲):
 «سپس ارشک، از سکاها، با بعضی از دانه‌ها (Daae)
 (یعنی آپارنی‌ها (Aparnians)) که بیابانگرد بودند و در کنار
 اوخوس (Ochus) زندگی می‌کردند، به پارتیا حمله برد و
 آن را تسخیر کرد. ارشک در آغاز، ضعیف بود و پیوسته با
 کسانی می‌جنگید که سرزمین‌های آن‌ها را خود و
 جانشینانش گرفته بودند. اما آن‌ها بعدها، به اندازه‌ای

نیرومند شدند که همیشه، اراضی همسایگان خود را بر اثر پیروزی در جنگ تسخیر می‌کردند... و در زمان حاضر، بر سرزمین‌ها و طوایفی حکم می‌راند که، با توجه به وسعت قلمرو آن‌ها، تا اندازه‌ای رقبای رومیان به‌شمار می‌آیند. سبب این امر، شیوه زندگی و همچنین رسوم آنان است که جنبه‌های بسیاری از بربریت و ویژگی‌های سکایی در آن دیده می‌شود و آنان را به برتری و پیروزی در جنگ می‌رساند. بعضی‌ها می‌گویند که ارشک دارای تبار سکایی بوده است، و حال آن‌که، دیگران او را باکتریایی می‌دانند. شورای پارتیان، بنا به گفته پوسایدونیوس (Poseidonius)، شامل دو گروه است، یکی خاندان سلطنتی و دیگری دانیایان و مغان که از میان آنان، پادشاهان انتخاب می‌شدند.»

تاریخ‌نویسان مسلمان، دوره پارتی را زمان امیران کوچک می‌دانند و می‌گویند:

«پادشاهان حاکم بر ساتراپی‌ها (پارت‌ها) حدود صد پادشاه پارسی، نبطی و عرب بودند. نیرومندترین آن‌ها، که دیگران از آنان اطاعت می‌کردند، اشکانان یا اعقاب آش (Ach) بودند... از آنجا که پادشاهان این سرزمین (جبال، یعنی ناحیه دینور، نهاوند و همدان، در ماد و آذربایجان)، دارای نام عمومی اشکانی بودند، همه رؤسای ساتراپ‌ها که از آن‌ها اطاعت می‌کردند، جزو آنان به‌شمار آمده و آن‌ها نیز اشکانی نامیده شده‌اند...»^(۱۹)